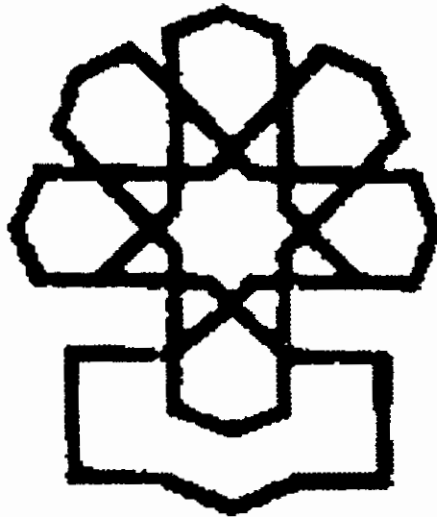


۲۱۶۳۸



پیش‌بینی عملکرد بودجه ۱۳۸۰ و مقایسه آن با
اهداف سال دوم برنامه پنج ساله سوم

درباره لایحه بودجه ۱۳۸۰ - شماره (۴۴)



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و اسناد
شماره: ۱۳۴۰۹
تاریخ: ۷۹/۱۰/۲۵

کلمه موضوعی: ۱۶۰

شماره مسلسل: ۵۹۳۹

معاونت پژوهشی
دی ۱۳۷۹

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

پیش بینی عملکرد بودجه ۱۳۸۰ و مقایسه آن با اهداف سال دوم
برنامه پنج ساله سوم

کدموضوعی: ۱۶۰

شماره مسلسل: ۵۹۳۹

فهرست مطالب

- ۲..... نکات برجسته
- ۴..... ۱- مقدمه
- ۹..... ۲- فروض اولیه برای پیش بینی
- ۱۱..... ۳- پیش بینی متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۸۰ و مقایسه آن با اهداف برنامه سوم
- ۱۷..... ۴- خلاصه نتایج

آگامی:

استفاده از الگوهای کلان‌سنجی برای تجزیه و تحلیل‌های سیاستی و پیش‌بینی با محدودیت‌های زیادی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که در معرض تحولات ساختاری شدید قرار دارند روبه‌رو است. بدیهی است تأثیر بسیاری از عوامل بنیادی در تحولات اقتصادی یک کشور نظیر زمینه‌های تاریخی، رویه‌های نهادی، نگرش‌های ذهنی، ارزش‌ها و انگیزه‌های اجتماعی، کارآفرینی و نظایر آن را نمی‌توان صرفاً براساس آمار و اعداد تبیین نمود. با این وجود هنوز نتایج الگوهای کلان‌سنجی را می‌توان در فرایند پیچیده تحلیل‌های سیاسی همراه سایر دیدگاه‌های کارشناسی مورد توجه قرار داد. لذا نتایج کمی حاصله از این الگو به صورت مطلق قابل اتکا نبوده و تنها می‌توان برخی تغییرات و روندهای عمومی آن را برای تفسیر بسیار ساده‌ای از تحولات دنیای واقعی مورد استفاده قرار داد. در واقع نتایج الگوهای کلان‌سنجی، تنها افق‌های احتمالی آینده را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد و نمی‌توان با تکیه بر ارقام آن‌ها سیاست‌گذاری کرد.

مطابق آنچه در مورد بودجه سال ۱۳۷۹ عمل شد، در این گزارش نیز ضمن ارائه پیش بینی عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۰ بر مبنای ترکیب بودجه پیشنهادی این سال، به مقایسه نتایج پیش بینی ها با اهداف در نظر گرفته شده برای سال ۱۳۸۰ به عنوان سال دوم برنامه پنج ساله سوم پرداختیم. بررسی های صورت گرفته نشان داد که علی رغم در نظر گرفتن چشم انداز به نسبت مطلوب در مورد قیمت و صادرات نفت، با ترکیب پیشنهاد شده برای بودجه ۱۳۸۰ و همچنین ساختارهای اقتصادی موجود، پیش بینی های مربوط به متغیرهای هدف در سال ۱۳۸۰ (همانند سال ۱۳۷۹) با اهداف مربوط به دومین سال اجرای برنامه پنج ساله سوم فاصله قابل توجهی دارد.

علی رغم این که اعتبارات عمرانی و جاری دولت در سال ۱۳۸۰ (به ترتیب معادل با ۳۴۰۳۲ و ۱۰۲۵۸۲ میلیارد ریال) از ارقام در نظر گرفته شده در برنامه سوم (یعنی ۳۱۲۹۶/۳ و ۹۸۴۸۸/۵ میلیارد ریال) اندکی بیشتر است، لیکن می توان این تفاوت را قابل اغماض در نظر گرفته و ترکیب بودجه ۱۳۸۰ را با ترکیب مربوط به سال دوم برنامه سوم، هماهنگ دانست. از سوی دیگر، پیش بینی های ارائه شده در این گزارش در مورد عملکرد آتی متغیرهای هدف از قبیل رشد تولید، رشد سرمایه گذاری خصوصی و رشد سرمایه گذاری دولتی به قیمت های ثابت به میزان قابل توجهی کم تر از اهداف مربوط به سال دوم برنامه می باشد. متقابلاً، پیش بینی سطح عمومی قیمت (تورم)، بیش از هدف برنامه سوم است.

براساس پیش بینی‌های فوق‌الذکر در مورد عملکرد متغیرهای هدف در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، به نظر می‌رسد که لازم است درباره اهداف کمی یا سیاست‌های تعیین شده در برنامه سوم، تجدیدنظر نمود. نیل همزمان به اهدافی چون کنترل تورم، افزایش قابل توجه رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و تعادل خارجی، اگر امکان‌پذیر تصور شود، بدون تردید مستلزم اصلاحات اساسی در راستای ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه، سرمایه‌گذاری، تولید، افزایش بهره‌وری و بالاخص فراهم آوردن امکان دسترسی تولیدات داخلی به بازارهای خارجی به‌عنوان یک منبع قابل اتکای تقاضا برای تداوم یافتن نرخ‌های رشد بالا خواهد بود.

رشد اقتصادی مستلزم تشکیل سرمایه، افزایش بهره‌وری و وجود تقاضای مؤثر است. ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، اگرچه با افزایش رشد اقتصادی به وقوع خواهد پیوست، لیکن تقویت هرچه بیشتر آهنگ کاهش بیکاری در گرو انتخاب استراتژی سنجیده‌ای در پیگیری رشد اقتصادی می‌باشد. همچنین، تجهیز مناسب نیروی کار به تخصص‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بخش‌های تولیدی، پیش نیاز دیگری برای ایجاد اشتغال است.

از طرف دیگر، وجود تقاضای کافی، زمینه ساز تداوم رشد تولید و کاهش بیکاری است. حال اگر ایجاد تعادل خارجی و کاهش تورم رانیز در دستور کار قرار دهیم و این اهداف را از طریق سیاست‌های انقباضی که به کاهش تقاضای داخلی منجر می‌شود دنبال کنیم، تقاضای مورد نیاز برای رشد اقتصادی را باید در خارج از کشور جستجو کرد. بالاخص چنانچه نرخ‌های رشد هدف، نرخ‌های به نسبت بالایی باشد، تداوم و ثبات فرایند رشد، بدون صدور تولیدات به بازارهای وسیع بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. لازمه این مورد اخیر، تخصص‌گرایی و دستیابی به جایگاه مناسبی در تقسیم کار بین‌المللی است. در این حالت، باید برای بازارهای بین‌المللی تولید کنیم و نه این‌که انتظار داشته باشیم مازاد تولیداتی که برای بازارهای داخلی و منطبق بر نیازها، سلیقه‌ها و استانداردهای داخلی صورت می‌گیرد را به خارج صادر نماییم.

نکات فوق، مطالب جدیدی نیست. بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی به این موارد اشاره نموده‌اند. به ویژه، اهداف مطرح شده در برنامه سوم، کاملاً بیانگر اطلاع از موارد مزبور است. اما متأسفانه، آنچه در برنامه مورد توجه کافی قرار نگرفته است، همانا برنامه حرکت در راستای رسیدن به اهداف می‌باشد. به نظر می‌رسد برنامه سوم بیشتر به لیست نیازها شباهت دارد تا برنامه‌ای برای رفع آن‌ها. برنامه سوم به وضوح تحت تأثیر کاهش شدید قیمت نفت در سال ۱۳۷۷ بود. به همین علت می‌بینیم که جداول مربوط به لایحه برنامه سوم نشان می‌دهد که با حدود ۱۳ میلیارد دلار صادرات نفت و فراورده‌های نفتی می‌خواهیم به میانگین سالانه رشد بالاتر از ۶ درصد برای پنج سال برنامه برسیم. طبیعی است که این امر چندان محتمل

نیست. مگر این که صادرات غیر نفتی رشد قابل توجهی داشته باشد. در برنامه سوم میانگین سالانه صادرات غیر نفتی برای دوره پنج ساله بیش از ۷ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است که تناسب چندانی با سابقه این متغیر و عملکرد سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ ندارد.

متأسفانه، پیش‌بینی‌های برنامه مبنی بر امکان نیل به نرخ‌های رشد بالا با درآمدهای ارزی به نسبت محدود باعث شد که علی‌رغم به وقوع نپیوستن رشد مورد نظر در صادرات غیر نفتی، فزونی درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت در سال ۱۳۷۹ به میزان تقریباً ۱۰ میلیارد دلار نسبت به رقم ناچیز در نظر گرفته شده در برنامه، به‌عنوان مزاد درآمد ارزی معرفی شود. البته تصمیم بر تزریق بخشی از این درآمدها بیانگر این است که سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران، عملاً بخش قابل توجهی از این درآمدها را مزاد نمی‌دانستند. زیرا اگر چنین بود، انتظار داشتیم این مزاد ذخیره شده و در سال‌هایی که درآمدهای نفتی نسبت به مقادیر انتظاری دچار کسری است، به اقتصاد تزریق شود (ونه در هنگام وجود مزاد) تا یک جریان ارزی هموار و بدون افت و خیز تضمین شده باشد.

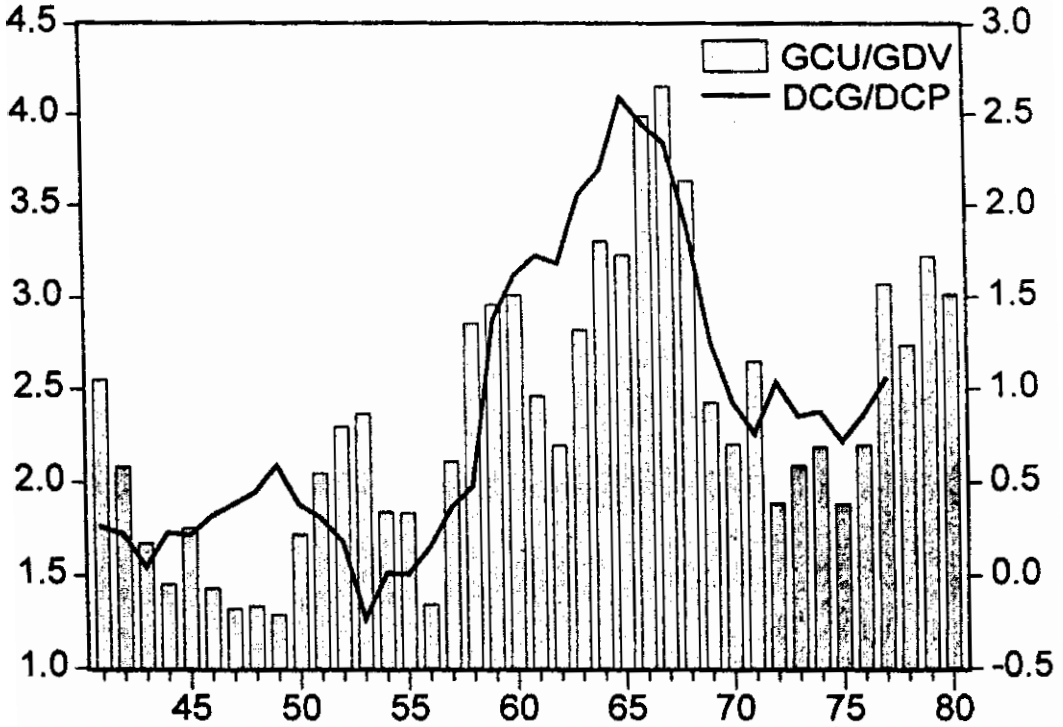
مشابه این مشکل در مورد امر سرمایه‌گذاری نیز به چشم می‌خورد. در پیش‌بینی‌های برنامه، رشد سرمایه‌گذاری دولتی نسبت به رشد سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش می‌یابد. در عمل این پیش‌بینی، بیشتر به بیان یک ضرورت شباهت دارد. بسیاری از اهداف فوق‌الذکر، نیازمند سرمایه‌گذاری است که به نوبه خود مستلزم کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌باشد. تا هنگامی که میزان ریسک به اندازه کافی تنزل نیافته است، رفتار سنجیده دولت در زمینه سرمایه‌گذاری می‌تواند مشوق بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی باشد. به دفعات، در گزارش‌های قبلی مربوط به بودجه ۱۳۷۷، بودجه ۱۳۷۸ و نیز ارزیابی برنامه سوم به عدم توجه لازم از سوی دولت به امر سرمایه‌گذاری اشاره شده است. در اینجا نیز با استفاده از نمودارهای شماره ۱ و ۲ مجدداً نکاتی را در این باره متذکر می‌شود.

همان گونه که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌کنیم، نسبت هزینه‌های جاری به عمرانی $\left(\frac{GCU}{GDV}\right)$ طی سال‌های بعد از انقلاب به میزان چشم‌گیری افزایش یافته و علی‌رغم کاهش نسبی بین سال‌های ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۶، طی سال‌های ۱۳۷۷ الی ۱۳۸۰ مجدداً افزایش یافته است. این نسبت تا حدود زیادی بیانگر این است که دولت به ازای هر ریال که صرف موارد عمرانی

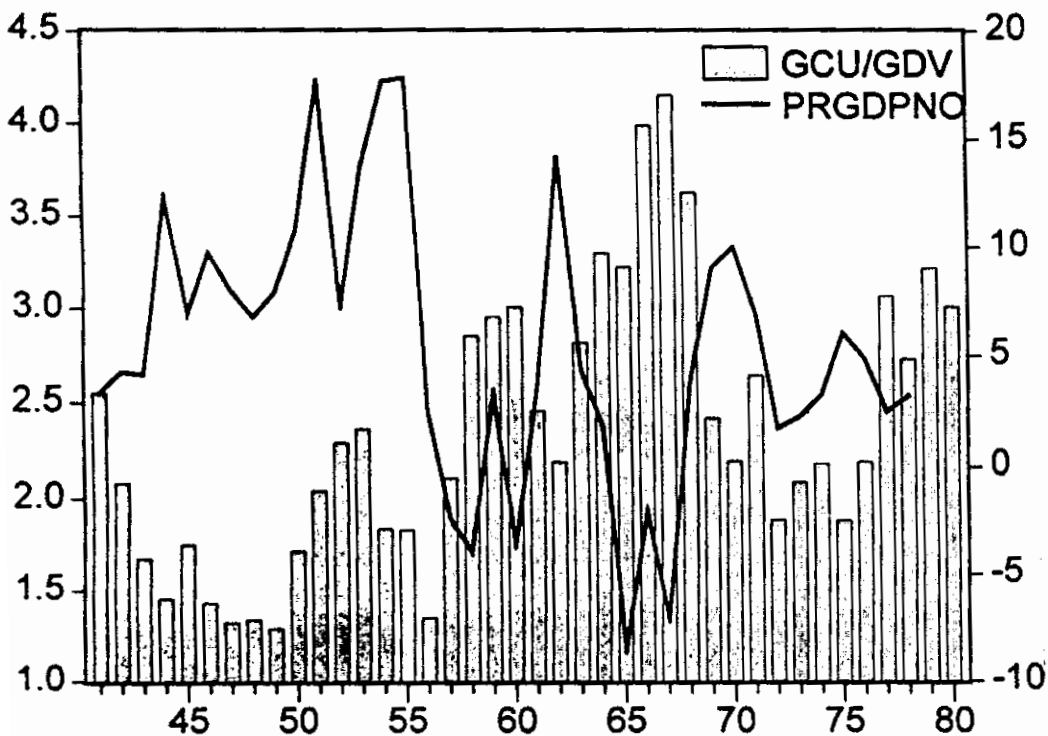
می‌نماید، چند ریال رابه مصارف غیر عمرانی می‌رساند. در همین نمودار، نسبت اعتبارات دولتی به اعتبارات خصوصی ($\frac{DCG}{DCP}$) نیز برای سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۷۷ ترسیم شده است. این نسبت طی دوره بعد از انقلاب در مقایسه با سال‌های قبل از ۱۳۵۷ به شدت افزایش یافته و اگرچه در فاصله ۱۳۷۱-۱۳۷۷ به وضوح تنزل نموده است. لیکن هنوز هم در سطح به نسبت قابل توجهی قرار دارد. براین اساس معلوم می‌شود که بعد از انقلاب، دولت که بخش قابل توجهی از ثروت ملی را در اختیار دارد و بخش قابل توجهی از اعتبارات نظام بانکی را نیز به خود اختصاص می‌دهد، مقادیر به نسبت کمتری را صرف هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری می‌نماید. در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود که در اغلب سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۷۸، هنگامی که نسبت هزینه‌های جاری به هزینه‌های عمرانی تنزل یافته، رشد تولید ناخالص غیرنفتی (RGDPNO) در سطح بالاتری قرار داشته است. بنابراین، علی‌رغم این که دولت ممکن است در امر سرمایه‌گذاری، کاملاً کارا عمل نکند، لیکن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اهتمام و توجه بیشتر وی به امر سرمایه‌گذاری، می‌تواند منشأ آثار مثبتی بر رشد اقتصادی باشد. براساس ارقام مربوط به بودجه عمرانی و جاری دولت در سال ۱۳۸۰، نسبت مخارج جاری به مخارج عمرانی در حدود ۳ خواهد بود که با وجود کاهش نسبی در مقایسه با نسبت مربوط به سال ۱۳۷۹، هنوز در سطح بالایی قرار دارد.

با توجه به مراتب فوق، چندان عجیب نمی‌باشد که علی‌رغم این که دولت بودجه‌های سالانه، من جمله بودجه سال ۱۳۸۰ را منطبق بر موارد نظیر در برنامه سوم تنظیم و اجرا نماید. اهداف مطرح شده در برنامه سوم به وقوع نپیوندد.

نمودار ۱- تحول نسبت هزینه‌های جاری و عمرانی $\frac{GCU}{GDV}$
 و نسبت اعتبارات دولتی به خصوصی $\frac{DCG}{DCP}$



نمودار ۲- تحول نسبت هزینه‌های جاری به عمرانی $\frac{GCU}{GDV}$
 در مقایسه با رشد تولید غیر نفتی PRGDPNO



در واقع چنین شرایطی می‌تواند بیش از آن که به تنظیم نادرست بودجه مربوط باشد، به پیش‌بینی‌های ضعیف متغیرهای هدف در برنامه سوم ارتباط داشته باشد. در هر صورت در ادامه بحث، نتایج حاصل از پیش‌بینی عملکرد بودجه ۱۳۸۰ در زمینه متغیرهای با اهمیت کلان اقتصاد که با استفاده از یک مدل کلان سنجی صورت گرفته است، ارائه خواهد شد. البته، قبل از آن، ابتدا در بخش دوم گزارش به معرفی فروض اولیه مدل می‌پردازیم. بخش ۳ به ارائه نتایج پیش‌بینی‌ها و مقایسه آن با اهداف برنامه سوم اختصاص دارد و بخش ۴ در برگزیده خلاصه نتایج خواهد بود.

۲- فروض اولیه برای پیش‌بینی

در این گزارش برای پیش‌بینی متغیرهای عمده کلان طی سال ۱۳۸۰ از آخرین شکل تکمیل شده مدل بهرامی^۱ استفاده کرده‌ایم. مهم‌ترین اصلاحات تکمیلی که بر روی مدل صورت گرفته است، مربوط به تشکیل بلوک نفت در مدل می‌باشد. وجود این بلوک، امکان بررسی تعدیلات مربوط به شاخص ضمنی قیمت در بخش نفت و گاز به صورت درون زار فراهم کرده و لذا با در اختیار داشتن برنامه افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی توسط دولت، نیازی به ارائه دو سناریوی مجزا جهت بررسی حالت تعدیل قیمت نفت و عدم تعدیل قیمت نفت (به گونه‌ای که در گزارش‌های بودجه‌های سال‌های قبل عمل می‌شد) وجود ندارد.

ارزش‌های مفروض برای عمده‌ترین متغیرهای برون زای مدل در جدول شماره (۱) ارائه شده است. این متغیرها در داخل مدل توضیح داده نمی‌شود و ارزش آن‌ها در خارج از مدل تعیین شده و به عنوان ورودی به مدل داده می‌شود. جهت اطلاع از ورودی‌های برون‌زا در برنامه سوم، مقادیر نظیر در همین جدول آورده شده است.

۱ برای کسب اطلاع از جزئیات مربوط به طراحی، تخمین و آزمون شکل اولیه مدل به: جاوید بهرامی، «نحوه انتقال ضربه‌های نفتی در نظام‌های ارزی گوناگون و عملکرد سیاست‌های تثبیت (مورد ایران)»، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۷۷. مراجعه فرمایید. در ضمن در مورد موارد تکمیلی و اصلاحات بعدی می‌توانید با نگارنده تماس حاصل فرمایید.

جدول ۱- ارزش‌های در نظر گرفته شده برای متغیرهای برون‌زا

سال	شاخص ارزش دلار (۱۳۶۱=۱۰۰)	شاخص قیمت خارجی (۱۳۶۱=۱۰۰)	نرخ بهره			صادرات نفت (میلیون دلار)			متوسط قیمت هر بشکه نفت (دلار)	
			خارجی (درصد)	بودجه	سناریوی فرضی	برنامه	بودجه	سناریوی فرضی	بودجه	سناریوی فرضی
۱۳۷۸	۷۹/۸	۱۷۵/۴	۴/۷	۱۶۲۷۰	۱۶۲۷۰	۱۳۰۰۰	۱۹	۱۳/۵	۱۹	
۱۳۷۹	۸۰	۱۸۱	۵	۱۳۵۰۰	۲۱۰۰۰	۱۲۶۴۷	۲۴/۵	۱۳/۵	۱۵/۷۵	
۱۳۸۰	۸۰	۱۸۶/۹	۵	۱۳۷۱	۱۷۱۴۲	۱۲۳۱۹	۲۰	۱۳/۵	۱۶	

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در جدول فوق علاوه بر ارزش‌های در نظر گرفته شده در بودجه ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ برای متغیر صادرات نفت و متوسط قیمت هر بشکه نفت، یک سناریوی خوشبینانه در این مورد از سوی نگارنده ارائه شده است. علاوه بر متغیرهای برون‌زای فوق‌الذکر، یک سری دیگر از متغیرها، یعنی متغیرهای سیاستی نیز در خارج مدل ارزش‌گذاری می‌شود. جدول شماره ۲، ارزش‌های در نظر گرفته شده برای این گروه از متغیرهای مدل را نمایش می‌دهد.

جدول ۲- ارزش‌های در نظر گرفته شده برای متغیرهای سیاستی

سال	اعتبارات عمرانی (میلیارد ریال)		اعتبارات جاری (میلیارد ریال)		نرخ ارز پایه (ریال برای هر دلار)	رشد خالص اعتبارات خصوصی (درصد)	تراز سرمایه (میلیون دلار)	شاخص عمده‌فروشی فرآورده‌های نفتی (۱۳۶۱=۱۰۰)
	بودجه ۱۳۸۰	برنامه سوم	بودجه ۱۳۸۰	برنامه سوم				
۱۳۷۸	۲۴۹۴۲	۲۵۴۹۱/۲	۶۸۲۱۹	۶۶۰۳۴/۸	۱۷۵۲/۵	۱۰	-۲۵۰۰	۱۸۵۸/۷۵
۱۳۷۹	۲۶۳۷۰	۲۵۹۰۶/۳	۸۴۹۶۵	۸۵۰۸۲/۳	۱۷۵۲/۵	۱۰	-۱۰۰۰	۲۳۰۴/۸۵
۱۳۸۰	۳۴۰۳۲	۳۱۲۹۶/۳	۱۰۳۵۸۲	۹۸۴۸۸/۵	۱۷۵۲/۵	۱۰	۲۰۰۰	۲۵۳۵/۳

با در اختیار داشتن اطلاعات مربوط به متغیرهای برون‌زا و متغیرهای سیاستی، می‌توان با حل مدل کلان‌سنجی به ارائه پیش‌بینی‌هایی در مورد متغیرهای مهم کلان در سال ۱۳۸۰

پرداخت. از آنجایی که بسیاری از آمارهای رسمی مربوط به سال ۱۳۷۸ و آمارهای رسمی سال ۱۳۷۹ نیز هنوز منتشر نشده است. محدوده پیش بینی ما سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ خواهد بود.

۳- پیش‌بینی متغیرهای عمده کلان در سال ۱۳۸۰ و مقایسه آن با اهداف برنامه سوم

در پیش‌بینی‌های ارائه شده در این بخش، برای هر مورد دو سناریو مورد بررسی قرار گرفته است. سناریوی اول با توجه به ارزش‌های پیش‌بینی شده در بودجه ۱۳۸۰ برای متغیرهای صادرات نفت و متوسط قیمت هر بشکه نفت خام مطرح می‌شود و سناریوی دوم مربوط به شرایط خوشبینانه‌ای است که در جدول شماره ۱ در مورد همین متغیرها فرض شده است.^۱ جدول شماره ۳، مربوط به پیش‌بینی رشد متغیر تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت می‌باشد.

جدول ۳- پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت

(درصد)

سال	بودجه ۱۳۸۰	سناریوی فرضی	برنامه سوم
۱۳۷۸	۳/۶	۳/۶	۲/۵
۱۳۷۹	۳	۳/۴	۴/۵
۱۳۸۰	۲/۹	۳/۶	۵/۵

همان گونه که ملاحظه می‌شود. در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی در پیش‌بینی‌های برنامه سوم، ۵/۵ درصد در نظر گرفته شده است، حتی تحت سناریوی فرضی خوشبینانه ما در مورد صادرات و قیمت نفت خام، رشد تولید از ۳/۶ درصد تجاوز نخواهد کرد. این در حالی است که اگر ارقام مندرج در بودجه ۱۳۸۰ برای صادرات و قیمت نفت مبنای پیش‌بینی قرار گیرد، رشد تولید

۱. شایان ذکر است که تفاوت پیش‌بینی‌های مربوط به سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با آنچه در گزارش بودجه سال ۱۳۷۹ ارائه شده است، مربوط به تحولات قیمت نفت، تعدیل اطلاعات آماری سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۷ و تکمیل مدل با اضافه شدن بلوک نفت می‌باشد.

ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۰ از ۳ درصد کم تر خواهد بود (۲/۹ درصد).

جدول شماره ۴، به پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی (به قیمت ثابت)

اختصاص دارد.

جدول ۴- پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی

(درصد)

به قیمت ثابت

سال	بودجه ۱۳۸۰	سناریوی فرضی	برنامه سوم
۱۳۷۸	۴/۱	۴/۱	۲/۴
۱۳۷۹	۳/۴	۳/۸	۵/۹
۱۳۸۰	۳/۳	۴/۱	۷

در این مورد نیز رشد پیش بینی شده مدل فاصله قابل توجهی با هدف ارائه شده در برنامه سوم توسعه دارد. در سناریوی خوشبینانه، رشد تولید غیر نفتی در سال ۱۳۸۰ معادل ۴/۱ درصد و با توجه به ارزش های مطرح شده در بودجه ۱۳۸۰ در مورد صادرات و قیمت نفت، رشد مزبور برابر با ۳/۳ درصد می باشد. این ارقام با رشد ۷ درصدی در نظر گرفته شده در برنامه سوم تفاوت معنی دار دارد.

به همین منوال، جدول شماره ۵، مبین پیش بینی رشد سرمایه گذاری خصوصی به قیمت ثابت

است.

جدول ۵- پیش بینی رشد سرمایه گذاری ناخالص خصوصی به

(درصد)

قیمت ثابت

سال	بودجه ۱۳۸۰	سناریوی فرضی	برنامه سوم
۱۳۷۸	۲/۱	۲/۱	۲/۷
۱۳۷۹	۲	۳/۲	۶/۱
۱۳۸۰	۰	۲/۲	۹/۵

همانگونه که ملاحظه می شود، تفاوت هدف رشد سرمایه گذاری خصوصی در برنامه سوم با پیش بینی های مدل برای سال ۱۳۸۰، بسیار شدیدتر از دو مورد قبلی است. در حالی که سناریوی بودجه ۱۳۸۰، منجر به پیش بینی رشد صفر برای سرمایه گذاری خصوصی در سال ۱۳۸۰ می شود و در سناریوی خوشبینانه فرضی این نرخ رشد معادل با ۲/۲ درصد پیش بینی شده است. پیش بینی برنامه سوم برای نرخ رشد سرمایه گذاری خصوصی معادل با رقم ۹/۵ درصد می باشد.

جدول شماره ۶، پیش بینی رشد سرمایه گذاری ناخالص دولتی به قیمت ثابت را در بر دارد.

جدول ۶- پیش بینی رشد سرمایه گذاری ناخالص دولتی
به قیمت ثابت
(درصد)

سال	بودجه ۱۳۸۰	سناریوی فرضی	برنامه سوم
۱۳۷۸	۵/۳	۵/۳	۵/۹
۱۳۷۹	-۱۰/۶	-۱۰	۵/۶
۱۳۸۰	-۲/۸	-۱/۲	۲/۸

مشاهده می شود که پیش بینی های مربوط به رشد سرمایه گذاری دولتی نیز کمتر از هدف در نظر گرفته شده در برنامه سوم است. در حالی که در سناریوی بودجه ۱۳۸۰، رشد مزبور در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲/۸- درصد و در سناریوی فرضی معادل با ۱/۲- درصد می باشد. هدف برنامه، رشد ۲/۸ درصدی سرمایه گذاری ناخالص دولتی به قیمت ثابت است. با توجه به وضعیت رشد سرمایه گذاری خصوصی و دولتی، می توان ادعا کرد که یکی از زمینه های مغایرت در پیش بینی رشد تولید در برنامه سوم با نتایج مدل، مربوط به همین تفاوت آشکار در پیش بینی سرمایه گذاری می باشد.

در جدول شماره ۷، پیش‌بینی‌های مربوط به نرخ تورم ارائه شده است.

جدول ۷- پیش‌بینی رشد سطح عمومی قیمت‌ها (نرخ تورم)

(درصد)

سال	بودجه ۱۳۸۰	سناریوی فرضی	برنامه سوم
۱۳۷۸	۲۱/۴	۲۱/۲	۲۲/۱
۱۳۷۹	۲۴/۲	۲۳/۶	۱۹/۹
۱۳۸۰	۲۵/۷	۲۴	۱۷/۴

در مورد نرخ تورم، پیش‌بینی‌های مدل از هدف برنامه سوم بیشتر است. در سناریوی بودجه ۱۳۸۰، نرخ تورم در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲۵/۷ درصد و در سناریوی خوشبینانه فرضی برابر با ۲۴ درصد برآورد شده است در حالی که هدف برنامه برای این متغیر معادل با ۱۷/۴ درصد می‌باشد. در این مورد باید متذکر شویم که از آنجایی که اطلاعات کافی در مورد میزان استقراض ملی در اختیار نداشتیم، بهتر است پیش‌بینی‌های مربوط به نرخ تورم را با احتیاط کافی مورد توجه قرار دهیم. در تولید این پیش‌بینی‌ها توجهی به استقراض ملی از طریق انتشار اوراق مشارکت دولتی نشده است و از این نظر، شاید برآورد نرخ ارز بازار موازی، کسری بودجه، بدهی دولت به نظام بانکی و نرخ تورم بیش از واقع محاسبه شده است.

جدول شماره ۸، در برگرفته پیش‌بینی‌های مربوط به صادرات غیرنفتی است.

جدول ۸- پیش‌بینی صادرات غیرنفتی (کالاها و خدمات به

استثنای درآمد سرمایه‌گذاری) (میلیون دلار)

سال	بودجه ۱۳۸۰	سناریوی فرضی	برنامه سوم
۱۳۷۸	۴۵۶۵	۴۵۶۵	۵۱۵۲
۱۳۷۹	۴۸۵۸	۴۸۵۵	۵۷۶۷
۱۳۸۰	۴۸۵۷	۵۲۳۶	۷۱۸۱

چنانکه از جدول فوق مشخص می‌شود، پیش‌بینی برنامه سوم در مورد صادرات غیرنفتی نیز بیش از پیش‌بینی‌هایی است که از مدل به دست آمده است. تحت سناریوی بودجه ۱۳۸۰، برای سال ۱۳۸۰، مقدار صادرات غیرنفتی پیش‌بینی شده در حدود ۴/۹ میلیارد دلار و تحت سناریوی خوشبینانه فرضی معادل با ۵/۲ میلیارد دلار است، در حالی که هدف برنامه سوم ۷/۲ میلیارد دلار می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق، در مورد متغیرهای «تغییر در خالص بدهی دولت به نظام بانکی»، «تراز پرداخت‌ها» و «نرخ ارز بازار موازی» نیز پیش‌بینی‌هایی انجام داده‌ایم که برای آن‌ها اهداف کمی اعلام شده و قابل مقایسه‌ای در لایحه برنامه سوم ارائه نشده است. بنابراین نتایج این پیش‌بینی‌ها بدون مقایسه با اهداف نظیر در برنامه سوم ارائه می‌شود. جدول شماره ۹، مربوط به پیش‌بینی تغییر در خالص بدهی دولت به نظام بانکی است.

جدول ۹- پیش‌بینی تغییر در خالص بدهی دولت به نظام بانکی (میلیارد ریال)

سناریوی فرضی	بودجه ۱۳۸۰	سال
۱۲۳۶۹/۲	۱۲۳۶۹/۲	۱۳۷۸
۱۵۷۴۴/۸	۲۹۵۰۳/۸	۱۳۷۹
۳۱۳۷۱/۶	۳۹۴۱۳/۸	۱۳۸۰

بر طبق این پیش‌بینی‌ها تغییر در خالص بدهی دولت به نظام بانکی که می‌توان آن را تقریبی از کسری بودجه دولت دانست (مجدداً متذکر می‌شود که در این پیش‌بینی‌ها به استقراض ملی توجه نشده است)، در سال ۱۳۸۰ در حدود ۳۰ درصد بودجه پیشنهادی دولت برای همین سال خواهد بود. پیش‌بینی‌های مربوط به تراز پرداخت‌ها در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰- پیش‌بینی تراز پرداخت‌های ارزی کشور
(میلیون دلار)

سناریوی فرضی	بودجه ۱۳۸۰	سال
-۱۸۸۵	-۱۸۸۵	۱۳۷۸
۲۵۹۷/۲	-۳۵۹۸/۹	۱۳۷۹
-۱۵۴۸/۶	-۶۲۹/۶	۱۳۸۰

پیش‌بینی‌های مدل در مورد تراز پرداخت‌ها در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که تحت سناریوی بودجه ۱۳۸۰ کسری تراز پرداخت‌ها به نسبت اندک و در حدود ۰/۶ میلیارد دلار خواهد بود. در سناریوی خوشبینانه فرضی، علیرغم افزایش درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت و صادرات غیرنفتی، افزایش شدیدتر در واردات که در نتیجه افزایش واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز برای تولید بیشتر به وقوع می‌پیوندد و ناشی از سطح پایین‌تر نرخ ارز در بازار موازی نیز می‌باشد، منجر به کسری بیشتر در تراز پرداخت‌ها (در حدود ۱/۵ میلیارد دلار) خواهد شد.

در نهایت، جدول شماره ۱۱، به ارائه پیش‌بینی‌های مربوط به نرخ ارز در بازار موازی اختصاص یافته است.

جدول ۱۱- پیش‌بینی نرخ ارز (دلار آمریکا)

در بازار موازی (ریال)

سناریوی فرضی	بودجه ۱۳۸۰	سال
۷۸۴۸/۷	۷۸۴۸/۷	۱۳۷۸
۹۳۹۰/۱	۹۴۷۸/۲	۱۳۷۹
۱۰۱۱۶/۶	۱۲۵۴۲/۱	۱۳۸۰

ملاحظه می‌شود که تحت سناریوی بودجه ۱۳۸۰، نرخ ارز در سال ۱۳۸۰ به ۱۲۵۴۲ ریال افزایش خواهد یافت. در سناریوی خوشبینانه فرضی، نرخ ارز بازار موازی در حدود ۱۰۱۱۶

ریال خواهد بود (مجدداً متذکر می شویم که عدم توجه به استقراض ملی می تواند سبب بیش از حد برآورد کردن نرخ ارز بازار موازی در مدل شده باشد).

۴- خلاصه نتایج

با توجه به ارقام مندرج در بودجه ۱۳۸۰ در مورد صادرات نفت، سایر درآمدهای دولت و هزینه های جاری و عمرانی، پیش بینی می شود که میزان رشد تولید، رشد سرمایه گذاری خصوصی و دولتی، تورم، کسری بودجه و صادرات غیر نفتی در حدود موارد نظیر در سال ۱۳۷۹ باشد. به عبارت دیگر، ساختار بودجه ۱۳۸۰ به گونه ای است که سبب تکرار تصویر اقتصادی سال ۱۳۷۹ در سال ۱۳۸۰ (به بیان رشد متغیرها به قیمت های ثابت) خواهد شد. در جمع، پیش بینی های مدل مورد استفاده، حاکی از تفاوت آشکار عملکرد بودجه ۱۳۸۰ با اهداف برنامه سوم برای سال ۱۳۸۰ می باشد. تورم، بیشتر از هدف برنامه سوم خواهد بود و در مقابل، رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت)، رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی (به قیمت ثابت)، رشد سرمایه گذاری خصوصی (به قیمت ثابت) و رشد سرمایه گذاری دولتی (به قیمت ثابت) کمتر از اهداف تعیین شده برنامه سوم برای سال ۱۳۸۰ خواهد بود. افزایش در خالص بدهی دولت به نظام بانکی به حدود ۳۰ درصد بودجه می رسد و نراز پرداخت های ارزی کشور کسری دلالیمی خواهد داشت. انتظار بروز تحول چشمگیری در صادرات غیر نفتی وجود ندارد و پیش بینی می شود که نرخ ارز در بازار موازی نسبت به سال ۱۳۷۹ حدود ۷ درصد افزایش می یابد.